

بررسی و تحلیل موانع فعالیت زنان روستایی با استفاده از روش میزان انحراف از ایتیمم

نمونه موردی: (روستاهای چهارقلعه شهرستان بهشهر)

اسدا.. دیوسالار

استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه پیام نور- ایران

محمد رضا نقوی*

مدرس مدعو جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه پیام نور بهشهر

ابوذر پایدار

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

روستانشینی شکل ویژه‌ای از استقرار و معیشت انسان و جلوه‌بارزی از حیات اقتصادی و اجتماعی است که با نظامی کم و بیش پایدار در طی قرون متمادی دوام یافته است. بیش از نیمی از جمعیت کشورهای در حال توسعه، در روستا زندگی می‌کنند، بدیهی است نقش روستاییان و به ویژه زنان روستایی در تحقق اهداف توسعه روستایی انکارناپذیر است، به رغم توجه سازمان‌های بین‌المللی به نقش زنان در فرایند توسعه و نامگذاری سال ۱۹۷۵ به عنوان سال جهانی زنان و دهه ۸۵-۱۹۷۶ به عنوان دهه زنان، باز هم توجه به نقش زنان روستایی در فرایند توسعه با محدودیت‌هایی مواجه بوده و اغلب از دید سیاستگذاران توسعه پنهان مانده است. هدف پژوهش حاضر بررسی و تحلیل موانع فعالیت زنان در مناطق روستایی بود. محدوده مورد مطالعه ۱۰ روستا از روستاهای چهارقلعه شهرستان بهشهر و روش پژوهش پیمایشی و توصیفی-تحلیلی بود که داده‌ها نیز به صورت کتابخانه‌ای و میدانی از طریق پرسشنامه در قالب طیف لیکرت گردآوری شد و سؤال پژوهش از طریق نرم افزار (SPSS) تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین این شاخص‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی تأثیرگذار بر موانع فعالیت زنان همبستگی معناداری وجود دارد و در این بین روستای مهدی آباد با رتبه ۱ از کمترین تأثیرات، نسبت به شاخص‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی بهره‌مند شده است.

واژگان کلیدی

زنان روستایی؛ روستا؛ ایتیمم؛ بهشهر

* نویسنده مسئول

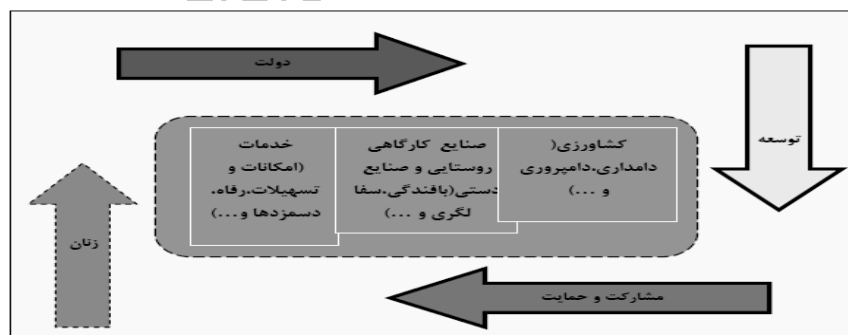
مقدمه

یکی از مسائلی که امروزه دولت‌ها و حکومت‌های دنیا باید بدان توجه کنند بحث توسعه روستایی به‌خصوص در کشورهای توسعه نیافته است. در این کشورها به جهت عدم سیاستگذاری و برنامه‌ریزی صحیح در ارتقاء سطح کیفی زندگی مردم این مناطق، مهاجرت روستاییان به شهرها به طور ملاحظه‌پذیری افزایش یافته است و موجبات رشد شهرنشینی و بروز مسائل و ناهنجاری‌های روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را فراهم آورده است (عابدی، ۱۳۸۳: ص ۱). همان‌طور که می‌دانیم مفهوم توسعه در فرایند رشد نهفته است. در اکثر کشورهای در حال رشد، توسعه روستایی رابطه تنگاتنگی با فرایندهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و زیستی محیطی دارد (هرمن و اسینسکی^۱، ۱۹۹۹: ص ۵۹). برنامه‌ریزی در مناطق روستایی و توسعه درون‌زا و همه‌جانبه‌ظرفیت‌های روستایی نیازمند توجه به رویکردهای ساختاری و فضایی در این مناطق است و سیاست برنامه‌ریزان روستایی باید در جهت توجه به رویکردهای توسعه پایدار باشد (مندولا^۲، ۲۰۰۸: ص ۱۵۱). وضعیت زنان در هر جامعه‌ای نشان‌دهنده میزان پیشرفت آن جامعه است و این واقعیتی است که روز به روز تعداد بیشتری آن را در می‌یابند بدین منظور از دهه هفتاد میلادی، مسائل مربوط به شرکت همه جانبه زنان در فرایند برنامه‌های توسعه ملی به تدریج وارد دستور کار سازمان‌های توسعه و عمران ملی و بین‌المللی شد (سروش مهر و همکاران، ۱۳۸۸: ص ۲) جیسوپ معتقد است که همواره زنان روستایی به طور فعالانه در کارهای توسعه‌ای شرکت می‌کنند. این مسأله مربوط به تعریف توسعه و اصل هنجار جنس مذکر است (بانک جهانی^۳، ۲۰۰۳: ص ۹)، اما تبعیض جنسیتی و جنگ قدرت‌ها در سطح ملی باعث نادیده گرفتن زنان در برنامه‌های توسعه روستایی می‌شود (گورلار^۴ و همکاران، ۲۰۰۷: ص ۳۲۱). همزمان با طرح مسائل زنان و نقش آن‌ها در توسعه، به تأثیر و چگونگی نقش زنان روستایی در توسعه و به‌خصوص توسعه روستایی توجه شده است و دلیل این امر، نقش انکارناپذیر زنان در فعالیت‌های مختلف جوامع

1. Herrmann&Osinski
2. Mendola
3. Worldbank
4. Gurler



روستایی است (افتخار، ۱۳۷۷:ص ۷۵). می‌دانیم که زنان روستایی قشری زحمتکش و فعال هستند که در تمامی فعالیت‌های روزانه اعم از کشاورزی، دامداری تولید لبنیات فرش، گلیم، حصیر، چادر، هیزم، پرورش ماکیان، ظروف و صنایع دستی همپای مردان علاوه بر امور خانه داری، همسر داری و بچه‌داری سهیم هستند و از این بابت نصیبی منطبق با تلاش و فعالیت خود به دست نمی‌آورند. حمایت از زنان و آموزش آن‌ها و همچنین مهارت‌سازی در آن‌ها و توانمند کردن زنان به عنوان قشر تأثیرگذار و انتقال دهنده فرهنگ و ارزش‌ها در توسعه مناطق روستایی امری است که باید در برنامه‌ریزی‌های تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران باید به آن توجه شود (عابدی، ۱۳۸۳:ص ۱). یکی از ضرورت‌های اصلی برای حضور زنان در فرایند توسعه و پایداری توسعه روستایی اطمینان از موضوع برابری فرصت زنان و مردان است، این بدان معناست که فرصت‌های برابر باید به طور سیستماتیک و یکپارچه در طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌های توسعه روستایی به اجرا در آیند. برای به حداکثر رساندن منابع انسانی در حفظ بافت اجتماعی جوامع روستایی و احیای اقتصاد محلی دخالت زنان بسیار حیاتی است (فیشلر، ۲۰۰۰:ص ۴). مطابق شکل ۱ تا پیش از سال ۱۹۷۰، تصور بر این بوده که فرایند توسعه بر زنان و مردان به طور یکسان اثر می‌گذارد. در این زمان نفوذ سرمایه‌داری به مدرنیزاسیون و نابودی اقتصاد سنتی منجر شده و این امر لطمه‌های وارد شده بر زنان را تشدید کرده است (دادور خانی، ۱۳۸۵:ص ۱۷۲).



FAO.2001:3

شکل ۱: حضور زنان در رویکردهای توسعه روستایی

پژوهش‌های فائو در خاور نزدیک نشان می‌دهد که زنان ۱۹ ساعت از روز خود را صرف تولیدات زراعی و دامی، جمع‌آوری هیزم و تأمین آب مصرفی می‌کنند. براساس گزارش سال ۲۰۰۰ سازمان ملل متحد در خصوص وضعیت زنان عنوان شده که زنان دو برابر مردان در فعالیت‌های کشاورزی فعالیت می‌کنند، اما بیشتر زنان روستایی در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته به عنوان عناصر حاشیه‌ای و غیرفعال برشمرده می‌شوند. این در حالی است که زنان روستایی مزدی در مقابل کار خود دریافت نمی‌کنند. آن‌ها به تدریج از فعالیت‌های توسعه‌ای همچون سوادآموزی، آموزش مهارت‌های نوین، توزیع عادلانه درآمد و ارتباط با بازار کار محروم می‌شوند و در نتیجه به علت دریافت نکردن دستمزد، حقیر و پست به شمار می‌آیند که این امر می‌تواند پیامدهای منفی و مخرب پیش‌بینی نشدنی برای کل ساختار جامعه داشته باشد (اکبری و همکاران، ۱۳۸۸: ص ۲).

اثرات و پیامدهای سرمایه‌داری صنعتی بر محیط نه تنها در غرب، بلکه از طریق فعالیت شرکت‌های چندملیتی در سرتاسر جهان گسترش یافته است. بر اساس این رابطه جامعه به طبیعت به عنوان منابعی می‌نگرد که باید از آن بهره برداری بیشتر شود و یا کالای ارزانی است که تنها محدودیت بهره برداری از آن را سطح فناوری تعیین می‌کند. در این رابطه الیوت بنا بر تصویری که از زنان در متون خود نمایش می‌دهد، آن‌ها را قربانیان تمدن شکست خورده غربی معرفی می‌کند (فضیله خانی و همکاران، ۱۳۸۷: ص ۱۲۳). در ترکیب فرایند توسعه روستایی جداگزینه نقش زنان از مردان امری اجتناب‌ناپذیر است. چرا که توسعه در مفهوم مشارکت نهفته است (دانکلمن دیویدسون، ۱۹۸۸). عقیده‌ها بر این است که نقش زنان در توسعه را نمی‌توان تنها از طریق اندازگیری میزان فعالیت زنان تبیین کرد؛ بلکه شناسایی عواملی که موجب می‌شوند زنان چه شاغل و چه غیر شاغل نقش تعیین کننده در امر توسعه داشته باشند، اهمیت خاصی دارد (راوودراد، ۱۳۷۹: ص ۱). کارکردگرایان معتقد هستند در جوامع سنتی و ماقبل صنعتی ایفای نقش‌های متفاوت، کارکرد مثبتی برای زنان و مردان داشته است و خانواده با تبعیت از این الگو می‌توانست کارکرد مؤثرتری داشته باشد، اما نظریه فمینیستی این گونه نقش جنسیتی را نمی‌پذیرد و زنان را در موقعیت نابرابر با مردان و یک گروه ستم دیده تلقی می‌کند که قربانی نظامی مرد سالارانه شده‌اند (توسلی، ۱۳۸۲: ص ۱۳).

1. Dankelman. Davidson



اصطلاح «زنان در توسعه» را اولین بار کمیته زنان واشنگتن دی سی، بخشی از انجمن توسعه بین‌المللی، مطرح کرده است. در سال ۱۹۳۷، در ایالات متحده بر اساس قانون پرسی، قانون کمک به خارجیان خواستار کمک، به پروژه‌ای توجه شد که زنان را با اقتصاد مالی ملی کشورهای خارجی پیوند می‌داد تا از این طریق موقعیت آن‌ها را بهبود بخشد و به امر توسعه کمک کند (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۴:ص ۲۵۲). مطالعات تحت عنوان زنان از چند نظر اهمیت دارد: اولاً آن‌ها به انتقال فوری نوسازی در مطالعات تحت عنوان «زنان در توسعه» به فرایند توسعه شتاب داده‌اند. ثانیاً موارد بی‌شماری از مطالعات این واقعیت را گوشزد کرده‌اند که سیاست‌های توسعه روستایی اغلب به اثرات و اهداف پیش‌بینی شده خود نمی‌رسد و بعضاً به اثرات منفی و ناخواسته منجر می‌شود. از آنجا که بخش بزرگی از جمعیت در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، توسعه روستاها بخش اجتناب‌ناپذیر توسعه است، اما درعین حال پدیده مذکور دارای جنبه‌های متعددی است که تماماً می‌بایست در یک قالب واحد سنجیده شود. از عوامل مهم دستیابی به توسعه، برخورداری از نیروهای محرکه یعنی سرمایه، نیروی کار و غیره است. لذا به دلیل کمبود سرمایه و تراکم بالای جمعیتی در روستاها، تأکید بر بهره‌برداری بهینه از نیروهای محرکه موجود عاقلانه‌ترین راه رسیدن به هدف توسعه همه جانبه و یکپارچه است. (دادورخانی، ۱۳۸۵:ص ۱۷۳). توسعه انسانی، هنگامی ممکن می‌شود که به عامل انسانی اعم از مرد و زن به طور همزمان توجه شود (پاسبان، ۱۳۸۵:ص ۱۵۹). آنگر در توضیح اینکه چرا زنان در همان موقعیت مردان انگیزه پیشرفت کمتری از خود نشان می‌دهند می‌گویید: در این زمینه باید به سرزنش‌هایی توجه کرد که به زنان می‌شود، چون مردان بیشتر تمایل دارند زنان را سرزنش کنند، برخی نیز از ضعف‌های درونی برای فقدان موفقیت زنان سخن می‌گویند، اما آنچه که مسلم است مشکلات زنان [به عنوان نیمی از پیکره جامعه انسانی] از بی‌کفایتی‌ها و کمبودهای شخصی ایشان ناشی نمی‌شود، بلکه آن‌ها به وسیله یک نظام اجتماعی که در آن تبعیضات صورت رسمی و مقبول به خود گرفته است، عقب نگه داشته شده‌اند (ملک محمدی و حسینی نیا، ۱۳۷۹:ص ۴۰). با توجه به اینکه ضرورت الزام اقتصادی اشتغال و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی همواره در تاریخ پیشرفت جوامع بشری مطرح بوده لکن هنوز در کشور ما بین زنان و مردان تعادل مطلوب و مقبولی در این زمینه در فعالیت‌های مختلف ایجاد

1. woman in development (WID)

نشده است و این امر به علل مختلف اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و سیاسی کشور از گذشته تا به حال مربوط می‌شود. زنان تقریباً نصف جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند؛ دستمزد آن‌ها فقط برابر ۱۰ درصد از درآمد جهان است. زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی، منابع روستایی و خدمات در مناطق روستایی به‌عنوان تولید کننده نقش بسیار کلیدی دارند. زنان روستایی بهره‌ورترین زنان جامعه هستند و از جمله افرادی هستند که در مشاغل تولیدی اشتغال دارند. بنابراین، روشن است که توجه به زنان روستایی به عنوان یک بازوی قدرتمند در توسعه روستایی می‌تواند اثرات بسیار مثبت و انکارناپذیری را در این راستا به همراه داشته باشد دسترسی زنان به زمین کشاورزی به آن‌ها در قائل شدن این حق برای خود و تولید محصولات کشاورزی و تحقق اهداف کشاورزی به منظور افزایش بهره‌وری زنان از اهمیت به‌سزایی بهره‌مند است. دسترسی زنان به اعتبارات کشاورزی نیز موجب افزایش و بهبود بهره‌وری آن‌ها در کشاورزی می‌شود. عضویت زنان در تعاونی‌ها نیز به آن‌ها در دریافت تسهیلات جهت تأمین نهاده‌های کشاورزی موردنیاز، فروش محصولات و فرآوری برخی تولیدات به‌منظور افزایش بهره‌وری کمک می‌کند. بسیاری از پژوهش‌ها به این نتیجه دست یافته‌اند که آموزش زنان با بهره‌وری کشاورزی آن‌ها ارتباط دارد. در واقع سال‌هایی که زنان از برنامه‌های آموزشی استفاده کرده‌اند، به‌طور معناداری با درآمد و تولیدات آن‌ها ارتباط دارد. اقتصاد روستایی کشور به‌شدت به توجه از نقطه نظر افزایش بهره‌وری فعالیتهای اقتصاد روستایی نیازمند است، زیرا افزایش ضایعات، کاهش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در سیکلی بسته سبب از دست دادن جذابیت فعالیتهای اقتصادی در این مناطق شده و توجه خاص به این مورد به عنوان یکی از علل دفع دامنه فعالیتهای اقتصادی روستا عمل خواهد کرد (مرادی اسطوخ زینر، ۱۳۸۸: ص ۱). در کشورهای در حال توسعه همواره دولت به کمک سازمان‌ها و نهادهای تأثیرگذار می‌کوشد تا استقلال اقتصادی زنان، ایجاد اشتغال، دسترسی به منابع اعتباری توسعه، کاهش فقر، رفع سوء تغذیه، بهداشت، سطح سواد، مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی در تمام سطوح را فراهم کند (بامگاس کانگولا^۱، ۲۰۰۲: ص ۱۹). تمامی محققان و نظریه پردازان برنامه‌ریزی و توسعه، اتفاق نظر دارند که زنان روستایی نیز باید مانند مردان به نیروهای توانا مبدل شوند. در حالی که آنچه موجب بروز برخی تفاوت‌ها بین عقاید اندیشمندان

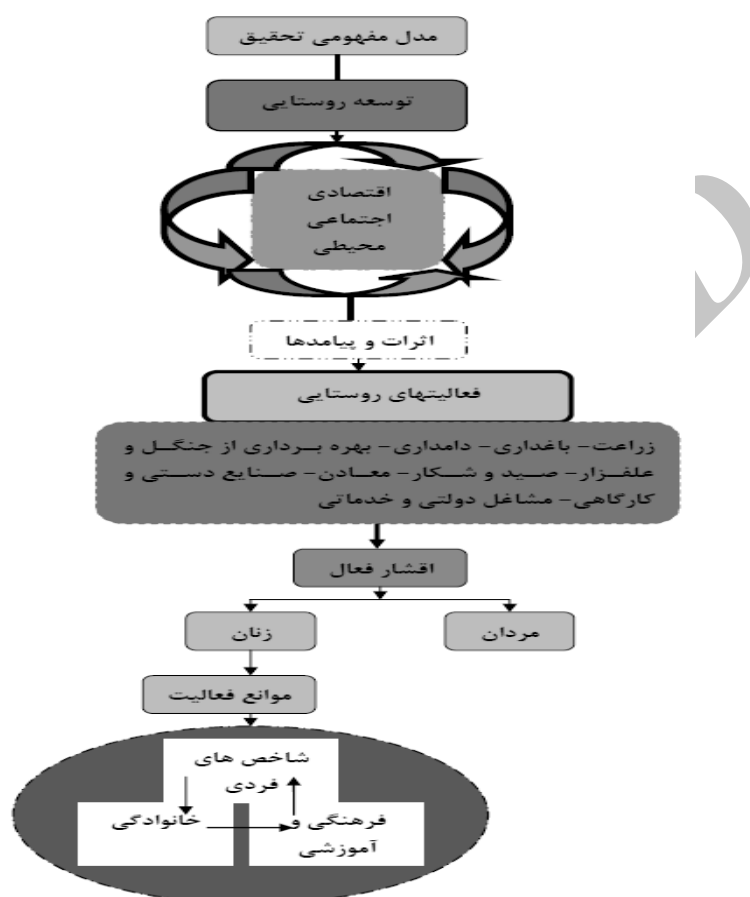
1. Bamgose. Kongolo



می‌شود، چگونگی تجهیز و توانا کردن زنان است، اما در این خصوص اختلافات موجود تنها در اولویت‌بندی عوامل لازم برای توانا کردن زنان مطرح است. در عین حال با توجه به این که شکل فعالیت‌ها در نواحی روستایی به صورت بهره‌برداری خانوادگی و غیره انجام می‌شود و بخش مهمی از زنان روستایی در قسمت کشاورزی و زیرمجموعه‌های آن فعال هستند. پس بنابر نظر تئودور شانین، زنان در اقتصاد خانواده نقش مهمی به عهده دارند (اکبری و همکاران، ۱۳۸۸:ص ۳). زیرا که زنان با انجام دادن فعالیت در درون و برون منزل نقش مهمی در روند توسعه روستایی بر عهده دارند و بی توجهی به این مهم به شکست و ناکارآمد شدن برنامه‌های توسعه منجر است (رضوانی، ۱۳۸۷:ص ۲۵۶) باید یادآور شد که سیاست توانمندسازی زنان را لانگوی، کارشناس توسعه زیمبابوه، مطرح کرده و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) برای تعالی زنان به کار گرفته است. نظر به حضور قاطع زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی روستا و نیز نقش مهم آن‌ها در تربیت کودکان و اداره امور زندگی اهمیت توجه به توانمندسازی آن‌ها بیشتر آشکار می‌شود (مرید سادات و همکاران، ۱۳۸۶:ص ۳۰۲).

در مجموع باید گفت که زنان یک منبع تولیدی در هر کشور هستند، و باید به وضعیت اجتماعی اکثریت جمعیت، زنان، کودکان و خانواده‌های تحت سرپرستی زنان روستایی رسیدگی کرد، چرا که زنان هرگز به جلب منافع پر از فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی موجود در هر کشور قادر نیستند (یوکنجان. ماجیدور^۱، ۲۰۱۱:ص ۲۲). در کشورهای در حال توسعه، زنان مناطق روستایی در رشد اقتصاد خانواده و انجام دادن فعالیت‌های تولیدی نقشی کلیدی دارند. و زمانی نقش آن‌ها از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و تولیدی اثربخش است که در بطن برنامه‌های مشارکتی قرار گیرند. در این بین بهرمندی مساوی زنان نسبت به مردان از طرح‌های توسعه و تصمیم‌گیرها، باید همسو و هم جهت با توانایی‌های بالقوه آن‌ها باشد (ای‌ف‌د^۲، ۲۰۱۱:ص ۸). بر این مبنا و بر اساس تجربیات جهانی، محققان در طراحی و تدوین مقاله حاضر بر آن بوده‌اند تا با تبعیت از مدل مفهومی مندرج در شکل ۲، موانع فعالیت زنان روستایی را در جامعه نمونه بر اساس شاخص‌های فردی، خانوادگی و آموزشی و فرهنگی سنجش و ارزیابی کند.

1. Yokunjon. Majidor
2. IFAD



شکل ۲: مدل مفهومی

روش

این مقاله یک پژوهش کاربردی است. روش پژوهش به صورت پیمایشی و توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای و میدانی از طریق پرسشنامه در قالب طیف لیکرت طراحی و به بررسی موانع فعالیت زنان روستایی در جامعه نمونه اقدام شد. جامعه آماری نیز مبتنی بر ۱۰ روستای تحت نفوذ از دهستان میانکاله (چهارقلعه) در نقشه و جدول ۱ و سپس بر اساس روش کوکران ۱۲۰ خانوار به عنوان حجم نمونه تعیین و به روش



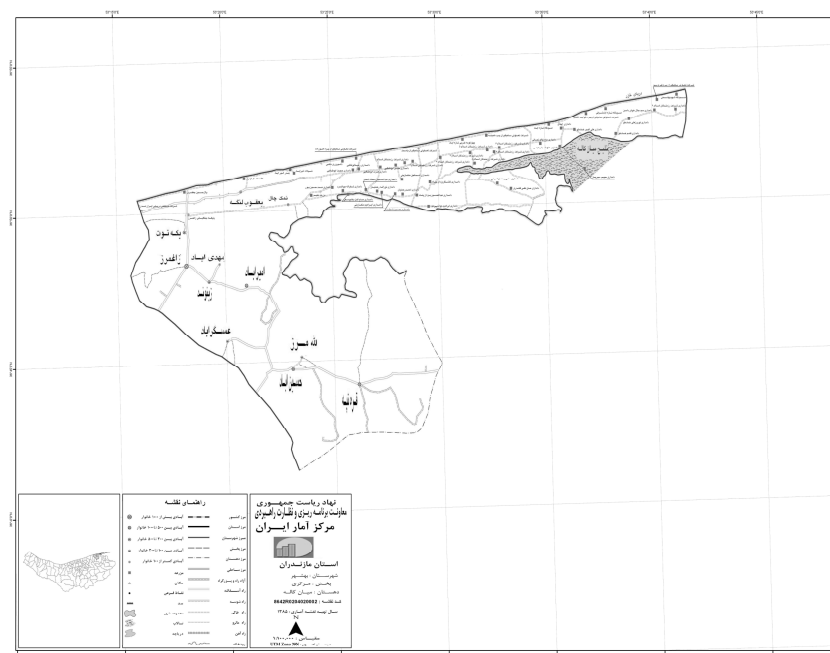
تصادفی طبقه‌بندی برگزیده شده‌اند. سؤال پژوهش از طریق نرم افزار (SPSS) مبتنی بر آماره آزمون «T» و ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شد و از روش انحراف از اپتیمم در اولویت‌بندی جامعه نمونه استفاده شده است. بر این مبنای پژوهش حاضر بر آن است تا با توجه به موانع فعالیت زنان در مناطق روستایی در سطح جامعه نمونه؛ شاخص‌های فردی، خانوادگی و فرهنگی و آموزشی، را سنجیده و به این سؤال اساسی که آیا بین شاخص‌های موانع فعالیت زنان روستایی همبستگی معناداری وجود دارد، پاسخی مستدل ارائه کند.

شهرستان بهشهر یکی از شهرهای استان مازندران که با مساحت ۳۱۰۶ کیلومتر مربع در مرکز استان واقع شده است. موقعیت ریاضی این شهرستان بین ۳۶ درجه و ۲۰ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۵۳ دقیقه عرض شمالی و درجه ۱۴ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۷ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ است. این شهرستان از طرف شمال به دریای خزر و دهستان میانکاله و از طرف جنوب به استان سمنان و دهستان پنج هزاره از طرف غرب به شهرستان ساری و دهستان کوهستان و از طرف شرق به کردکوی محدود است (نقوی، ۱۳۸۷:ص ۱۷۴).

جدول ۱: روستاهای مورد مطالعه

نام روستا	بعد خانوار	تعداد جمعیت	تعداد نمونه
قره تپه	۵۰۴	۱۸۸۴	۱۲
حسین آباد	۶۹۲	۲۶۶۱	۱۲
مهدی آباد	۱۲۰	۵۴۷	۱۲
للهمرز	۱۴۱	۵۱۶	۱۲
امیرآباد	۵۶۲	۲۱۳۱	۱۲
زینوند	۳۶۹	۱۴۷۴	۱۲
یعقوب لنگه	۲۴۶	۹۹۹	۱۲
زاغمرز	۱۵۲۴	۵۱۴۵	۱۲
عسکرآباد	۱۳۴	۵۳۷	۱۲
یکه توت	۳۵۲	۱۵۰۱	۱۲
جمع کل	۴۵۴۲	۱۸۵۲۰	۱۲۰

برنامه‌ریزی و دفتر آمار و اطلاعات وزارت کشور (استاندارداری مازندران، ۱۳۸۵:ص ۲۸)



نقشه ۱: روستاهای مورد مطالعه

همچنین جدول ۲ شاخص‌ها و تعداد گویه‌های مورد بررسی را با توجه به موانع فعالیت زنان در مناطق روستایی نشان می‌دهد.



جدول ۲: شاخص‌ها و گویه‌ها

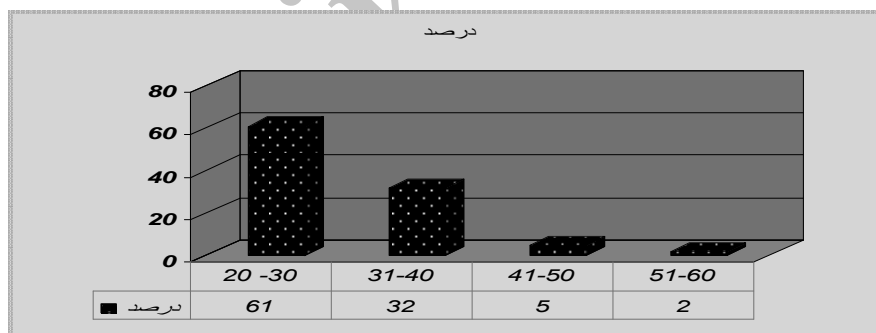
عنوان	شاخص‌ها	گویه‌ها	تعداد
موانع فعالیت زنان روستایی	فردی	پایین بودن میزان تحصیلات زنان روستایی، حجم زیاد فعالیت زنان روستایی در داخل خانه‌ها، فعالیت مستمر و همیشگی در مزرعه و خارج از خانه، نداشتن آگاهی و اطلاعات علمی و ترویجی، پائین بودن میزان درآمد، عدم تأمین نیازهای ضروری، مشکلات تغذیه و سلامتی، مهاجرت فصلی مردان، نبود وقت کافی برای تأثیر گذاری در رشد و باروری فرزندان، نداشتن تجربه و عدم همکاری روستائیان، عدم دسترسی به وسایل و ابزارالات مورد نیاز، عدم حس اعتماد بنفس.	۱۲
	اجتماعی	اعتقادات مذهبی، آداب و سنن غلط، خرافات، دسترسی پایین زنان به اعتبارات و تسهیلات نهادها و عوامل تولید، دور از دسترس بودن خدمات ترویجی، پایین بودن دستمزد زنان روستایی، حضور کم زنان در مدیریت روستا و نهاد دهیاری. عدم توجه سازمان‌ها روستایی به علت زن بودن، دیدگاه نامناسب نسبت به فعالیت زنان، کمبود متخصصان زن در جهت آموزش زنان روستایی،	۱۰
	خانوادگی	جایگاه پایین زن در خانواده، عدم حضور زن در تصمیم‌گیری‌های مهم، حجم و بعد خانواده، اعتقادات و تعصبات خانواده، وجود فرایند به نام مردسالاری، عدم درک توانایی‌های زنان روستایی، تعصبات افراطی مانند تعصب جنسیتی، تنگ‌دستی خانواده (فقر اقتصادی خانواده).	۸
کل	-	-	۳۰

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۶۰/۲ درصد از پاسخگویان روستایی در رده‌های سنی بین ۲۰-۳۰ سال، ۳۳/۵ درصد بین رده‌های سنی ۳۱-۴۰ سال، ۴/۹ درصد در رده سنی ۴۱-۵۰ سال و ۱/۴ درصد در رده‌های سنی ۵۱-۶۰ قرار دارند. جدول ۳ و نمودار ۱ این ویژگی‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۳: درصد سنی ساکنان روستایی

ردیف	سن	تعداد پاسخگویان	درصد
۱	۲۰ تا ۳۰	۷۸	۶۱
۲	۳۱ تا ۴۰	۳۱	۳۲
۳	۴۱ تا ۵۰	۷	۵
۴	۵۱ تا ۶۰	۴	۲
۵	-	۱۲۰	۱۰۰



نمودار ۱: درصد سنی ساکنان روستایی

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد با توجه به مقایسه حد متوسط گویه‌های مورد ارزیابی در هر یک از شاخص‌های جامعه نمونه می‌توان استنباط کرد که کلیه مؤلفه‌ها بالاتر از حد متوسط بوده و این تغییرات به لحاظ آماری معنادار برآورد شده است. و به نظر می‌رسد که شاخص‌های فردی و اجتماعی بیشترین تأثیر را بر زنان مناطق روستایی داشته‌اند.



جدول ۴: سطح معناداری بررسی موانع فعالیت زنان روستایی

شاخص‌ها	آماره t	میانگین وضع موجود	حد متوسط	سطح معناداری
فردی	۱۸/۷۵	۴۱/۰۹	۲۴	۰/۰۰
موانع اجتماعی	۱۶/۲۹	۳۲/۲۷	۲۰	۰/۰۰
فعالیت خانوادگی	۱۳/۸۱	۲۶/۱۱	۱۶	۰/۰۳
روستایی کل	۴۸/۸۵	۹۹/۴۷	۶۰	۰/۰۰

یافته‌های مندرج در جدول ۵ مبین آن است که از میان شاخص‌های موانع فعالیت زنان روستایی که از طریق روش رتبه‌بندی توانی انجام شده است، شاخص اجتماعی با رتبه ۱ و وزن استاندارد شده ۰/۵۳۳ بیشترین ارزش عددی وزنی را به خود اختصاص داده است.

جدول ۵: وزندهی به شاخص‌ها به روش توانی

شاخص‌ها	فردی	اجتماعی	خانوادگی
رتبه مستقیم	۲	۱	۳
توان وزنی	۹	۱۶	۵
وزن استاندارد شده	۰/۳۳۱	۰/۵۳۳	۰/۱۶۶

همچنین از طریق بررسی ضریب همبستگی در جامعه نمونه بر اساس جدول ۶ بین شاخص‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی در ایجاد موانع فعالیت زنان، نتایج پژوهش نشان‌دهنده رابطه معنادار بین شاخص‌ها بوده و این رابطه به صورت همبستگی (مستقیم) است.

جدول ۶: محاسبه ضریب همبستگی شاخص‌ها

شاخص‌ها	فردی	اجتماعی	خانوادگی
فردی	۱	۰/۷۶۶**	۰/۶۱۸**
ضریب پیرسن	۱	۰/۷۶۶**	۰/۶۱۸**
sig	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
N	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰
اجتماعی	۰/۷۶۶**	۱	۰/۷۱۶**
ضریب پیرسن	۰/۷۶۶**	۱	۰/۷۱۶**
sig	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰
N	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰
خانوادگی	۰/۶۱۸**	۰/۷۱۶**	۱
ضریب پیرسن	۰/۶۱۸**	۰/۷۱۶**	۱
sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-
N	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰

روش میزان انحراف از اپتیمم

روش میزان انحراف از اپتیمم یکی از روش‌هایی است که برای مقایسه و رتبه‌بندی دو یا چند جامعه از نظر بعضی از صفات استفاده می‌شود. پایه این روش بر استفاده از اعداد و ارقام خام شاخص‌ها و استاندارد کردن آن‌ها قرار دارد. جداول (۹-۸-۷) به ترتیب نشان‌دهنده وضع موجود، مقادیر استاندارد شده شاخص‌ها، مقادیر انحراف از اپتیمم هستند (پورطاهری، ۱۳۸۹:ص ۱۴۶). روش اپتیمم از مطلوب‌ترین شرایط و یا بزرگ‌ترین درجه یا مقدار ممکن در شرایط داده شده است.^۱

۱- در استاندارد کردن شاخص‌ها: یعنی مقدار عددی شاخص از میانگین آن کم شده و بر انحراف معیار تقسیم می‌شود.

1. <http://www.audioenglish.net>



جدول ۷: وضع موجود

وضع موجود

شاخص	۱	۲
A	a1	a1
B	b1	b2
C	c1	c2

جدول ۸: مقادیر استاندارد شده شاخصها

مقادیر استاندارد شده شاخصها

شاخص	۱	۲
A	a1*	a1*
B	b1*	b2*
C	c1*	c2*

$$\frac{b1^* - b}{b1^*}$$

۲- هرچه میزان انحراف کمتر باشد وضعیت جامعه نمونه از نظر شاخص مطلوب تر است یا بر عکس و همچنین برای شاخص دوم هم نیز چنین عمل تکرار می شود که نتیجه در جدول ۹ ارائه شده است.

جدول ۹: مقدار انحراف از ایتیم

مقدار انحراف از ایتیم

شاخص	۱	۲
A	a11	a12
B	b11	b12
C	c11	c12

$$b11 = b1^* - b1^* / b1^* = 0$$

مرحله نهایی

$$a11+a12=AA$$

$$b11+b12=BB$$

$$c11+c12=CC$$

در جدول (۱۳- ۱۲- ۱۱- ۱۰) می توان داده های وضع موجود، مقادیر استاندارد شده، مقدار انحراف از اپتیم و اولویت بندی روستاها را بر اساس شاخص های فردی، اجتماعی، خانوادگی در روستاهای چهار قلعه به شهر مشاهده کرد. باید یادآور شد همان طور که جدول ۱۰ داده های وضع موجود را بیان می دارد در هر روستا زنان با تحصیلات عالی (لیسانس، فوق لیسانس و غیره) بر میزان تأثیرگذاری شاخص های موانع فعالیت زنان نمره گذاری کرده اند (۱- ۱۰ نمره) تا بدین طریق میزان اولویت بندی روستاها مشخص شود.

جدول ۱۰: داده های وضع موجود

روستا	شاخص ها		
	فردی	اجتماعی	خانوادگی
قره تپه	۳	۷	۲
حسین آباد	۵	۴	۳
للمرز	۱	۶	۵
امیرآباد	۰	۲	۱۰
مهدی آباد	۲	۹	۱
عسکرآباد	۷	۱	۴
زینوند	۶	۵	۱
زاغمرز	۴	۴	۴
یعقوب لنگه	۳	۵	۴
یکه توت	۳	۸	۱
میانگین	۳/۱۰۰	۵/۱۰۰	۳/۸۰۰
انحراف معیار	۲/۰۲۴	۲/۵۱۲	۲/۶۱۶



جدول ۱۱: مقادیر استاندارد شده شاخص‌ها

روستا	شاخص‌ها		
	خانوادگی	اجتماعی	فردی
قره تپه	-۰/۶۹۲	-۰/۷۶۱	-۰/۰۴۹
حسین‌آباد	-۰/۳۰۷	۰/۴۴۲	۰/۰۴۹
للمرز	-۰/۴۶۱	۰/۳۶۱	-۱/۰۳۹
امیر آباد	۲/۳۸۴	-۱/۲۴۰	-۱/۴۸۵
مهدی آباد	-۱/۰۷۶	۱/۵۶۶	-۰/۵۴۴
عسکر آباد	-۰/۰۷۶	-۱/۵۶۴	۱/۹۳۰
زینوند	-۱/۱۰۷۶	-۰/۰۴۱	۱/۴۳۵
زاعمرز	-۰/۰۷۶	-۰/۴۴۴	۰/۴۴۵
یعقوب لنگه	-۰/۰۷۶	-۰/۰۴۴	-۰/۰۴۹
یکه توت	-۱/۰۷۶	۱/۱۶۶	-۰/۰۴۹

جدول ۱۲: مقایسه شاخص‌ها با وضع اپتیمم

روستا	شاخص‌ها		
	خانوادگی	اجتماعی	فردی
قره تپه	۱/۲۸۹	۱/۴۸۷	۱/۰۲۵
حسین‌آباد	۱/۱۲۸	۱/۴۲۸	۱/۴۸۷
للمرز	۱/۱۹۳	۱/۲۳۰	۱/۵۳۸
امیر آباد	۰	۱/۷۹۴	۱/۷۶۹
مهدی آباد	۱/۴۴۹	۰	۱/۲۸۱
عسکر آباد	۱/۰۲۹	۲	۰
زینوند	۱/۴۴۹	۱/۰۲۶	۱/۷۴۰
زاعمرز	۱/۰۲۹	۱/۲۸۲	۱/۴۲۳۰
یعقوب لنگه	۱/۰۲۹	۱/۰۲۸	۱/۰۲۵
یکه توت	۱/۴۴۹	۲/۰۶۴	۱/۰۲۵
مجموع	۱۰/۸۵۰۰	۱۲/۹۸۰	۱۲/۱۱۴

جدول ۱۳: اولویت‌بندی روستاها بر اساس تأثیر شاخص‌ها

روستا	مجموع	اولویت‌بندی
قره تپه	۳/۸۰۱	۷
حسین آباد	۳/۸۹۸	۸
للمرز	۳/۹۶۱	۹
امیرآباد	۳/۵۶۳	۶
مهدی آباد	۲/۷۳۰	۱
عسکراآباد	۳/۰۲۹	۲
زینوند	۴/۱۶۲	۱۰
زاغمرز	۳/۵۳۰	۴
یعقوب لنگه	۳/۰۶۰	۳
یکه توت	۴/۵۳۸	۵

با توجه به نتایج به دست آمده از روش میزان انحراف از اپتیمم در روستاهای نمونه، روستای مهدی آباد در بین روستاها با مقدار عددی ۲/۷۳۰ کمترین تأثیر را از شاخص‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی در موانع فعالیت زنان روستایی و با رتبه ۱ برخوردار شده و همچنین بر عکس آن روستای زینوند با مقدار عددی ۴/۱۶۲ و رتبه ۱۰ بیشترین تأثیرات را از شاخص‌های فوق پذیرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

دستیابی به توسعه و رشد اقتصادی، که از هدف‌های بزرگ کشورها محسوب می‌شود، نیازمند برنامه‌های توسعه است. در برنامه‌های توسعه نیز باید اولویت اصلی را به توسعه منابع انسانی داد. در این راستا باید بخشی از سهم سرمایه‌گذاری دولت در توسعه منابع انسانی به زنان تخصیص یابد که نیمی از جمعیت جوامع را تشکیل می‌دهند. همان‌طور که می‌دانیم تنگناها، موانع، مشکلات و محدودیت‌های موجود، مسأله مشارکت زنان در برنامه‌های ترویج و توسعه روستایی را به مسأله‌ای پیچیده و بغرنج مبدل ساخته است. در این بین مدعیان توسعه انسانی بر این اعتقاد هستند که فرصت‌ها باید به شکلی عادلانه در اختیار افراد قرار گیرد، باید به همه



مردم چه مرد و چه زن به طور یکسان فرصت داده شود تا در جریان طرح و اجرای تصمیمات اساسی که زندگی آن‌ها را شکل می‌بخشد مشارکت داشته باشند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به مقایسه حد متوسط گویه‌های مورد ارزیابی در هر یک از شاخص‌های جامعه نمونه می‌توان استنباط کرد که کلیه مؤلفه‌های بالاتر از حد متوسط بوده و این تغییرات به لحاظ آماری معنادار برآورد شده است. و همچنین از طریق بررسی ضریب همبستگی در جامعه نمونه بر اساس جدول ۶ بین شاخص‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی در ایجاد موانع فعالیت زنان، نتایج پژوهش نشان‌دهنده رابطه معنادار بین شاخص‌ها بوده و این رابطه به صورت همبستگی مستقیم (نوعی ارتباط منطقی بین افراد و جامعه مورد نظر) است و به منظور اولویت‌بندی روستا از روش میزان انحراف از اپتیمم در روستاهای نمونه، با توجه به پاسخگویی زنان دارای تحصیلات عالی (لیسانس، فوق لیسانس و غیره) در این بین روستای مهدی آباد با مقدار عددی ۲/۷۳۰ و رتبه ۱ کمترین تأثیر را از شاخص‌های فوق پذیرا بوده است.

Archive of SID

منابع

- ازکیا، مصطفی، صفری شالی، رضا و رحمانپور، اسماعیل (۱۳۸۴). *نظریه‌های توسعه، تهران: لویه.*
- افتخار، رفیع (۱۳۷۷). *زن روستایی توسعه روستایی. پیام زن شماره، ۷۵، (سایت <http://www.hawzah.net>)*
- اکبری، مرتضی، رضوانفر، احمد و علیایی، محمدصادق. (۱۳۸۸). *تحلیل عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر سهم زنان روستایی از درآمد خانوار: مطالعه موردی شهرستان دیواندره. مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی. جلد شانزدهم، ویژه نامه ۱- الف.*
- پاسبان، فاطمه (۱۳۸۵). *عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر اشتغال زنان روستایی ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۵۳.*
- پورطاهری، مهدی (۱۳۸۹). *کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه در جغرافیا، تهران: سمت.*
- توسلی، غلام عباس (۱۳۸۲). *آیا می‌توان بین کار زن در خانه و کار بیرون آشتی برقرار کرد. مطالعات زنان. سال اول. شماره ۲. تابستان و پاییز.*
- خانی فضیله، قدیری معصوم، مجتبی، غنیان، منصور (۱۳۸۷). *نقش زنان روستایی در بهره برداری، حفاظت و احیاء عرصه‌های طبیعی بیابانی. مطالعه موردی استان خوزستان. پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱.*
- دادورخانی، فضیله (۱۳۸۵). *توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان، پژوهش‌های جغرافیایی - شماره ۵۵.*
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران: قومس.*
- راودراد، اعظم (۱۳۷۹). *تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تأکید بر اشتغال. نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۵، بهار و تابستان.*



سروش، مهر هما، رفیعی، حامد، کلانتری، خلیل و شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۸). بررسی پایگاه اقتصادی اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر بهبود آن مطالعه موردی: شهرستان همدان (www.SID.ir).

عابدی، مهناز (۱۳۸۳). نقش زنان در فرآیند توسعه روستایی ایران. نشریه علمی و اجتماعی مستقل جامعه شناسی ایران (http://sociologyofiran.com).

ملک محمدی، ایرج، حسینی نیا، غلام حسین (۱۳۷۹). انگیزه مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزش و ترویجی استان فارس. مجله علوم کشاورزی ایران. جلد ۳۱، شماره ۱. مرادی اسطخ زیر، گیتی (۱۳۸۸). نقش زنان در فرآیند توسعه روستایی نشریه صدای تالش، (http://sedayetalesh.blogfa.com).

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). نهاد ریاست جمهوری. معاونت برنامه‌ریزی نظارت راهبردی. استان مازندران نقشه شهرستان بهشهر دهستان میانکاله.

مرید سادات، پگاه، اسدی، علی و صادقی، فتح‌اله (۱۳۸۶). بررسی اثربخشی طرح تسهیل‌گران زن روستایی در شهرستان دماوند. مجله علوم کشاورزی ایران، دوره ۲-۳۸، شماره ۲. نقوی، محمدرضا (۱۳۸۷). توان‌های توریستی شهرستان بهشهر، هفته نامه دیار سبز. شماره ۱۷۴، تابستان.

وزارت کشور استانداری مازندران معاونت برنامه‌ریزی دفتر آمار و اطلاعات (۱۳۸۸). شناسنامه آبادی دهستان‌ها و بخش‌های استان مازندران، جلد اول

A.Zafer Gurler., Nuray Kizilaslan& Songul Dogan(2007).Rural- Urban Migration in Turkey and the Socio- Economic Characteristics of the Immigrants (Tokat Case)

Bamgose,mirander.,Kongolo,wilberg(2002)Participation ofRuralWomen in Development:Case Study of TshesengThintwa,andMakhalanengVillages, Africa.

D.Mendola(2008). Promoting Tourism in Rural America. *Conference on Tourism in Australia*.P312

Dankelman.I.,Davidson.J(1998).*Women and Envaironment in the Thirddorld*,Earthscan,London.

FAO(2001). Women, agriculture and rural development: Findings of an FAO study in Africa. (www.fao.org.)

Fischler, Franz(2000). Women activity in rural development- Assuring the future of rural Europe.

IFAD(2011). Women and rural development.(<http://www.ifad.org>).international fund for agricultural development.

Osinski.E(1999). Herrmann S. Planning sustainable land use in rural areas at different spatial levels using GIS and modelling tools.p97.

World Bank(2003). The Economic Implications of Location for Rural Development', Development Policy Review London.

Yokunjon Abduholikov Yusuf Majidor(2011). Strengthening Income- Generating Opportunities for Rural Women in Tajikistan. p32.

Archive of SID



نویسندگان

asadollah_divsalar@yahoo.com

اسدا... دیو سالار

معاون دانشگاه پیام نور استان مازندران. استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری.

m.naghavy@gmail.com

محمدرضا نقوی

مدرس دانشگاه گرایش جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

abozarpaydar@yahoo.com

ابوذر پایدار

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس

Archive of SID